

پیام آزادگان

شماره 1034 دوره جدید اردیبهشت 2734 مادی - 2585 هخامنشی و می 2026 میلادی

محور مقاومت یا توطئه جهانی
رویائی که نقش بر آب شد



چگونه خواب خلیفه گری اسلامی تبدیل به کابوس شد؟ چگونه سرمایه گذاری چند صد میلیارد دلاری به قیمت بخاک سیاه نشتن یک ملت ظرف چند روز دود شد و به هوا رفت؟ با چه حساب و تدبیری مغز های یخ زده که تنها توانشان در تفکر گذاشتن پای چپ و یا راست به هنگام ورود به مستراح است خود را مقابل تکنولوژی پیشرفته

غرب و اسرائیل قرار دادند؟ برآستی اسلام چه داشت و دارد که مغز های علیل با آن می خواستند دارالحرب را از بین ببرند و دنیا را دارالسلام کنند؟ جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی با ایران و ایرانی چه کرد؟ ، چه امکانات رفاهی و پیشرفت برای مردم ایران ایجاد کرد که می خواهد با آن دنیا را تغییر دهد؟ ایرانی در سایه رویای رهبر ناقص العقل و ناقص العضو جمهوری اسلامی سید علی خامنه ای به تیره روزی و فلاکت دچار شد . آزدایش به یغما رفت و با شکنجه ، زندان و اعدام های هر روزه مواجه گشت. در نزد جهانیان تروریست شناسائی شد . فروزه های نیکش یکی پس از دیگری نابود گشت و دزدی و فحشاء ، اعتیاد و رشوه و رانت خواری ، دروغ و خیانت و خشونت و... تمام حجم زندگیش را پر کرد. آیا با این پلییدی ها که از دل اسلام نکبتی تراوش می کند خواهان تسخیر جهان هستید؟ امروز

پس از مرگ آخوند سید علی خامنه ای و سران ارشد سپاه پاسداران چند تنی چون قالیباف ، احمد وحیدی ، ذوالقدر ، رادان و در حاشیه رئیس جمهوری اختیاری مسعود پزشکیان هنوز از خواب بیدار نشده اند. البته ملاحظه کاری پرزیدنت ترامپ و لاس زدن های سران کشورهای اروپائی به خواب دیدن و خواب ماندن این چند تن باقیمانده کمک می کند.

عبدالرحمان الراشد خبرنگار روزنامه شرق الاوسط وقتی از جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر پرسید : چرا در جنگ 1967 با اسرائیل شکست خوردید ، او گفت : اسرائیل بر ما برتری هوائی دارد ، در ضمن تعداد خلبانهای آنها سه برابر خلبانهای ما بود، یعنی روزی چند بار میتوانستند از یک هواپیمای جنگنده استفاده کنند. بیش از چهار هزار تن در دو عملیات فنی و کیفی اسرائیل علیه حزب الله با سوجدجویی از بی سیم و پیجر کشته و زخمی شدند .

امروز ما در جنگ تکنولوژی بسر میبریم ، نه شجاعت ناشی از مغز شوئی و توهم قدرت و باور به اینکه نیروی غیبی به داد ما میرسد !! عبدالناصر بیش از نیم سده پیش از برتری فنی و علمی اسرائیل می نالید و امروز کودنی نظیر مجتبی خامنه ای و احمد وحیدی از درک آن عاجز است.

در درازنای تاریخ فناوری نقش تعیین کننده در جنگ ها داشته و دارد و شما آیا از دستار بندانی که خواهان تسخیر جهانند ، فناوری و یا اختراعی دیده اید؟ چگونه ایده لوژی واپسگرای اسلام که دشمن قسم خورده علم است میتواند مقابل تکنولوژی غرب به ایستد.

انگلیس ها با استفاده از فناوری توپ و کارگذاری آن در کشتی ها ، نیمی از جهان را فتح کردند . آنها با سوجدجویی از راه آهن توانستند حمل و نقل تدارکات و سربازان خود را تسریع بخشند. این تکنولوژی و دانش اتمی آمریکا بود که در جنگ جهانی دوم ، ژاپن را

شکست داد. اسرائیل با بسط خلاقیت ذهنی برای حفظ و بقای مردم خود می کوشد و در مقابل جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی جنگ افروزی را در سرکوب مردم ایران دنبال می کند. جمهوری اسلامی و گروه های نیابتی آن نظیر حزب الله ، حماس ، حشدالشعبی ، کتائب حزب الله و حوثی ها ، قدرت خود را در تمایل به قربانی کردن افراد و سربازان خود می بینند. جمهوری اسلام برای نگهداری بشار اسد بیش از 70 میلیارد دلار هزینه کرد و چند هزار تن از نیروهای قدس نیز کشته داد که ظرف 11 روزه تمام سرمایه گذاریش باد هوا شود. بدبخت تروریست های عرب که دل به سلاح های کپی شده روسی، چینی و کره شمالی با نام های تغییر یافته : شاهد ، فاتح ، القسام ، زلزال و... بستند.

در کتابی با فرنام بالا که توسط بنیاد پژوهش های علمی - فرهنگی دکتر مسعود انصاری به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده است به نحوه شکل گیری ذهنی آخوند وژن روح الله خمینی در صدور انقلاب اسلامی و شکل تکامل یافته آن دیدن خواب امپراتوری اسلامی به رهبری سید علی خامنه ای ، پس از شکست دولت عثمانی و پایان رقت بار آن پرداخته شده است.. سیاست محور مقاومت به غیر از صدمات مالی و جانی که ملتی را به زیر خط فقر کشید ، احمقانه ترین سیاستی بود که جهان تا کنون بخود دیده بود.

اصطلاح محور مقاومت برای اولین بار توسط روزنامه لیبیائی الزحف الاخضر در پاسخ به گفته جورج دبلیو بوش مبنی بر اینکه ایران ، عراق و کره شمالی محور شرارت هستند ، استفاده شد. روزنامه جمهوری اسلامی از محور مقاومت در شورش شیعیان عراق نام برد و نوشت : اگر خط شیعیان عراق نیاز به پیوند، اتحاد و تحکیم دارد ، این وحدت باید بر محور مقاومت و مبارزه با اشغالگران تحقق یابد. در سال 2006 میلادی سعید صایم وزیر کشور فلسطین در مصاحبه با شبکه تلویزیونی العالم جمهوری اسلامی از این اصطلاح استفاده کرد . علی اکبر ولایتی مشاور سید علی خامنه ای نیز به تبعیت از کسانی که از این اصطلاح استفاده کرده بودند گفت : زنجیره مقاومت در برابر اسرائیل توسط ایران ، سوریه ، حزب الله ، دولت جدید عراق و حماس از شاهراه سوریه میگذرد. سوریه حلقه طلائی زنجیره مقاومت در برابر اسرائیل است . این عبارت بین بشار اسد و سعید جلیلی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز رد و بدل شد. بدین سان محور مقاومت از زبان سید علی خامنه ای با همیاری حسن نصراله از حزب الله ، یحیی سنوار و اسماعیل هنیه از حماس ، فالح الفیاض از حشد الشعبی عراق، بشار اسد از سوریه و عبدالمالک حوثی از حوثی های یمن خارج شد تا خاورمیانه را به آشوب کشیده و مردم ایران را خاکستر نشین کرده و به جنگی دیگر بکشاند. خوشبختانه تا این لحظه حسن نصراله و کلیه سران و فرماندهان حزب الله ، فرماندهان حماس و تروریست های این گروه کشته شده اند . بشار اسد متواری و حکومتش فرو ریخته و حوثی ها تحت حملات سنگین آمریکا و اسرائیل روزهای پایانی

خود را می گذاراند. سیاست های متزلزل پرزیدنت ترامپ با پیش کشیدن آتش بس و تاتر مسخره ای بنام مذاکره این امکان را میدهد تا جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی که در بدترین شرایط سیاسی- اقتصادی و عدم مشروعیت داخلی قرار دارد با سرکوب مردم و دنبال کردن پروژه های ویرانگرش با کمک روسیه و چین دنیا را بیشتر از این ناامن کند.

جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی که پس از شکست در جنگ ایران و عراق به دنبال ساختن بمب اتم است دهه هاست که دنیا را به بازی گرفته و فریب میدهد (اعتراف پرزیدنت ترامپ که گفته : جمهوری اسلامی 47 سال است آمریکا را فریب داده به دور از بار خفت بارش ، به جهانیان هشدار میدهد که آیا فریب آخوند دغلكار باید ادامه داشته باشد؟). با نگاهی به مذاکرات رژیم آخوندی با کشور های مختلف در می یابید که تمام این سالها آخوندها به دنبال وقت خریدن و رساندن خود به بمب اتمی بوده اند . دستار بند زمانی به غنی سازی 20 در سدی رضایت میدهد و بعد می بینیم که غنی سازی را به مرز 60 درسد رسانده است. ایران امروز در بحرانی عمیق گرفتار شده است؛ بحرانی که نتیجه بیش از سه دهه حاکمیت فردی بود که تمام ارکان قدرت را در قبضه خود داشت. آخوند علی خامنه‌ای، با سیاست‌های سرکوبگرانه، اقتصاد ویران، فساد سیستماتیک و انزوای بین‌المللی، کشور را به پرتگاه سقوط کشانده است. طرفداران او باید این حقیقت تلخ را بپذیرند: ادامه حکومت خامنه‌ای توسط پسرش مجتبی نه تنها به سود ایران نیست، بلکه حتی به زیان همان افرادی است که از او حمایت می‌کنند. تنها راه نجات ایران، کنار گذاشتن این رژیم ناکارآمد و تغییر بنیادین نظام است.

فساد گسترده در نهادهای حکومتی، تحریم‌های فلج‌کننده و سیاست‌های اقتصادی اشتباه، ایران را به بحرانی کم‌سابقه فرو برده است. افزایش نجومی تورم، سقوط ارزش پول ملی و فقر گسترده نتیجه مستقیم تصمیمات بازمانده خامنه‌ای (مجتبی) و سران جنایتکار و دزد پاسداران است. سیاست‌های پوپولیستی و حمایت از نهادهای فاسد سپاه و بنیادهای وابسته به رهبری، اقتصاد کشور را به نابودی کشانده و معیشت مردم را تحت فشار شدید قرار داده است. در کنار این ویرانی اقتصادی، سرکوب آزادی‌های سیاسی و اجتماعی نیز مردم را از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم کرده است. هزاران زندانی سیاسی، اعدام هر روزه معترضین دیمه‌ها 1404 و فضای امنیتی حاکم بر کشور ، سرکوب اعتراضات مردمی، همگی نشانگر یک نظام استبدادی‌اند که راهی جز خشونت برای بقای خود نمی‌شناسد. حتی طرفداران آن نیز باید چشمان غبارگرفته خود را باز کنند و به این واقعیت پی ببرند که در این فضای خفقان، هیچ امنیتی برای آنان وجود ندارد و هر لحظه ممکن است قربانی تسویه حساب‌های درون‌حکومتی

شوند. ، اما یقیناً سران رژیم آخوندی و خصوصاً لومپن های پاسدار یا در جریان بمباران مراکز هسته ای و یا نظامی و یا به دست مردم بجان آمده کشته خواهند شد.

سیاست خارجی پرهزینه و انزوای جهانی نیز از دیگر پیامدهای فاجعه بار این حکومت است. حمایت بی منطق از گروه های تروریستی، ماجراجویی های منطقه ای و دشمنی بی پایان با جهان، ایران را به کشوری منزوی و تحت تحریم تبدیل کرده است. خامنه ای با سیاست های قرون وسطایی خود، اقتصاد و امنیت کشور را فدای ایدئولوژی های پوسیده کپک زده اسلام کرده و نتیجه آن چیزی جز فقر گسترده، فساد عمیق و مهاجرت نخبگان و جوانان از کشور نبوده است. بسیاری از کسانی که هنوز کورکورانه از رژیم آخوندی حمایت می کنند، باید بدانند که بقای سران پاسدار باقی مانده فقط به معنای حفظ حکومت فاسدشان است. اما حقیقت این است که ادامه این روند نه تنها ایران را به سقوط کامل می کشاند، بلکه حتی وفادارترین حامیان این رژیم را نیز نابود خواهد کرد. سرکوب های درون حکومتی، حذف نزدیکان قدرت و گسترش فساد، نشان می دهد که این نظام حتی به نیروهای خود نیز وفادار نیست.

هممیهن، تنها راه نجات ایران، کنار گذاشتن جمهوری اسلامی و پایان دادن به دیکتاتوری مذهبی به هر صورت می باشد. این تغییر می تواند به اشکال مختلفی رخ دهد، اما نکته اساسی این است که هر روز تأخیر در این تصمیم، هزینه های بیشتری را برای مردم ایران و حتی طرفداران این نظام پوسیده به همراه خواهد داشت. گذار به حکومتی مردمی، مبتنی بر آزادی، دموکراسی و عدالت، تنها گزینه ای است که آینده ای روشن را برای ایران رقم خواهد زد.

ایران، به دلیل سیاست های گمراه کننده خامنه ای و پسر نافصش مجتبی ، به نقطه ای بحرانی رسیده است و کسانی که هنوز به او وفادارند، باید این حقیقت را درک کنند که بقای رهبر مقوائی نه تنها کشور را به نابودی کشانده، بلکه زندگی و آینده خودشان را نیز به خطر انداخته است. آن زمانیکه آمریکا و اسرائیل شبانه روز نهاد های سرکوب و ایست های بازرسی را بمب باران میکردند ، بهترین زمان بود که مردم ته مانده پاسداران و بسیجی ها را جارو کنند ، نه اینکه به وعده ترامپ که گفته بود در خانه بمانید تا خبرتان کنم ، گوش میکردند. آیا صحنه گردانی تاتر مسخره مذاکره و آتش بس ناشی از آن ، چیزی بود که مردم ما انتظار داشتند؟

تاریخ نشان داده که هیچ دیکتاتوری تا ابد دوام نخواهد داشت. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و نیازمند تغییرات کلی و فوری است. تغییری که بدون کنار گذاشتن رژیم آخوندی و ساختن نظامی جدید، مبتنی بر خواست ملت ایران، امکان پذیر نخواهد بود. زمان آن فرا رسیده است که همه مردم، حتی طرفداران سابق و کنونی جمهوری اسلامی منهای سران متوهم و دیوانه آن ، به این حقیقت چشم بگشایند و برای نجات ایران، تصمیمی به موقع و قاطع بگیرند.

وحیدی ها ، قالیباف ها ، ذوالقدر ها و رادانها نابود میشوند ولی این ایران است که میماند .
آنها بیش از این ویران نکنید.

جان ستانی در حکومت اسلامی ایران



جان ستانی [اعدام] در کارنامه جهان پیشینه بی دراز دارد. پیشینیان بر این گمان بودند که سختی کیفر می تواند از دامنه بزهکاری بکاهد، ولی آزمون روزگار نشان داد که جان ستانی و دیگر کیفرهای سخت، کمترین هنایشی در پیشگیری از بزهکاری و کاستن از شمار بزه کاران ندارد، آنچه که می تواند تا اندازه زیادی راه بندی بر سر راه بزهکاری پدید بیاورد نخست آموزش و پرورش، و دوم دادگری و برخورداری همگان از زندگی شایسته است.

نخستین نشانه های جان ستانی را در یاسای چین می توان یافت. اگر چه میان سالهای 747 تا 759 زایشی در روزگار فرمانروایی خاندان « تانگ » پاد افره جان ستانی از یاسای این کشور بر داشته شد، ولی پس از گذشت پنجهزار سال، هنوز هم چین در بالاترین رده کشورهایی جا گرفته که بی نگر به پیمان نامه های «حقوق بشر» سازمان ملل متحد دست به کشتار زندانیان سیاسی و زندانیان بزهکار می زنند.

پس از چین، کیفر جان ستانی را در آیین نامه های حمورابی (پیرامون هجده سده پیش از ایش و نزدیک به روزگار ابراهیم) می توان دید که در آن برای 25 گونه از بزهکاری مانند : آدم کشی – آدم ربایی – جادوگری – کفر گویی و دستبازیهای جنسی پاد افره مرگ پیش بینی شده است:
ماده 3 : کسی که با گواهی دروغ جان دیگری را بگیرد، باید کشته شود.

ماده 7: کسی که سیم و زر یا کنیز و برده یا گاو و گوسفند یا هر چیز دیگری را که از آن دیگری است بدون بودن گواه یا بدون نوشتن بُنچاک خریداری کند باید کشته شود.

ماده 14: کسی که بچه بی را بدزد باید کشته شود.

ماده 15: کسی که برده بی را به پنهان شدن یا گریختن برانگیزد باید کشته شود.

ماده 21: اگر کسی دیوار خانه دیگری را سوراخ کند و از راه آن سوراخ به خانه در آید باید در همانجا کشته و پیکرش در همان سوراخ جا داده شود.

ماده 33: اگر یک سپاهی از مردم شهری رشوه بگیرد سزاوار کشتن است.

ماده 229: اگر سازنده بی، خانه بی برای کسی بسازد و آنرا استوار نسازد و خانه در پی زمین لرزه یا هر انگیزه دیگری ویران شود و جان کسان را بگیرد، سازنده باید کشته شود.

ماده 230: اگر در پی ویرانی خانه فرزند دارنده خانه از میان برود فرزند سازنده خانه باید کشته شود.

پس از حمورابی فرمان کشتن و جان ستاندن از دهان موسی بر سینۀ تاریخ نخس بست:

«... و این احکام برای شما در قرنهای شما در جمیع مسکن های شما فریضه عدالتی خواهد بود*»

هر که شخصی را بکشد، پس قاتل به گواهی شاهدان کُشته شود... هیچ فدیۀ بعوض جان قاتلی که مستوجب قتل است مگیرید بلکه او باید کشته شود (کتاب اعداد باب سی و پنجم آیه ی 29)

«... اگر شخصی عمداً بر همسایه خود آید تا او را به مکر بکشد آنگاه باید او را به مذبح کشیده به قتل رسانید* و هر که پدر یا مادر خود را بزند هر آینه کشته شود* و هر که پدر یا مادر خود را لعنت کند هر آینه کشته شود..(خروج باب بیست و یکم آیه های 14 تا 17)

«... زن جادوگر را زنده مگذار* هر که با حیوانی مقاربت کند هر آینه کشته شود* هر که برای

خدای غیر یهوه و بس قربانی بگذراند هر آینه هلاک گردد.. (خروج باب بیست و دو آیه های 18 و 19)

«... آن کس را که لعنت کرده است بیرون لشکرگاه ببر و همه آنهایی که شنیدند دستهای خود را بر سر وی نهند و تمامی جماعت او را سنگسار کنند خواه غریب خواه متوطن، چونکه اسم را کفر گفته است باید کشته شود.. (لاویان بای بیست و چهار آیه ی 16)

«... و کسی که با زن دیگری زنا کند زانی و زانیه البته هر دو کشته شوند* کسی که با زن پدر خود بخوابد و عورت پدر خود را کشف نماید هر دو البته کشته شوند. (لاویان باب بیستم آیه 10)

محمد نیز به پیروی از موسا، جان ستانی را گاه شایسته و گاه بایسته به شمار آورد و افزون بر آنچه که موسا گفته بود: محاربه با الله - افساد در زمین - ارتداد - مبارزه با اسلام - ادعای پیامبری - و نبوت را نیز پاد افره مرگ گذاشت:

« ای اهل ایمان حکم قصاص کشتگان معین گشت که مرد آزاد در برابر مزد آزاد، برده در برابر برده، و زن را به جای زن قصاص توانید کرد ... (سوره بقره آیه 176) (اگر کسی زن دیگری را بکشد، زن او را باید کشت!)»

«شما مؤمنان چون با کافران روبرو شوید باید آنها را گردن بزنید تا آنگاه که از خونریزی بسیار آنها را از پای در آورید... (آیه 4 سوره ی محمد)

« کافران را هر کجا یافتید گرفته بکشید و از آنها نباید یاور و دوستی برگزینید. » (آیه 89 سوره نساء)

«ای اهل ایمان با کافران به کارزار بر خیزید تا الله آنان را بدست شما عذاب و خوار گرداند. (آیه 14 سوره توبه)

« ای رسول ما با کفار و منافقان بجهاد و کارزار پرداز و بر آنها سخت گیر، مأوای آنان دوزخ است که جای بسیار بدی است. » (آیه 28 سوره نجم)

« ای مومنان با کافران جهاد کنید که در زمین فتنه و فسادى دیگر نماند. » (آیه 39 سوره ی انفال)

«همانا کيفر آنانکه با الله و رسول به مخالفت برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آنها را به قتل رسانده یا بدار کشند یا دست و په ایشان به خلاف ببریند(یعنی دست راست را با پای چپ یا وارون آن را) یا نفی بلد و تبعید و از سرزمین صالحان دور کنند، این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست، و اما در آخرت باز به عذابی بزرگ معذب خواهند بود (آیه 32 سوره ی مائده)

« در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنند و چشم را در مقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را به گوش و دندان را به دندان و هر زخمی را قصاص خواهد بود... (سوره مائده آیه 45)

قرآن به کشتن و ستاندن جان بزهکاران بسنده نمی کند، ونکه چنانچه از همین آیه دریافت می شود فرمان جان ستانی را در یک گستره بسیار فراخدامن و فراگیر می دهد:

« همانا من ترس در دل کافران می اندازم شما گردنشان را بزنید و انگشتانشان را قطع کنید.(سوره انفال آیه سیزدهم)

این همان سرچشمه خونى است که از بیابانهای گرم عربستان جوشیدن گرفت و در کوتاه زمان، سراسر ایران بزرگ و مصر کهن و سودان و یمن و اردن و سوریه و فلسطین و بخش بزرگی از آفریقای سیاه و بخشی از اروپا را فراگرفت و امروز هم می رود تا همه دستاوردهای کار و کوشش آزادگان و نشانه های آزادی را در جهان براندازد و سراسر زمین را ریگزار و بیابان بگرداند.

در این فرهنگ کسی که بجز خالق، مخلوقی را نیز بستايد مُشرک نامیده می شود، مانند زرتشتیان که آب و خاک و گیاه و جانور را می ستایند و در نیایش های روزانه خود خورشید و مهر و ماه و آتش و آب را نیایش می کنند، یا مانند مسیحیان که خدا را در سه گوهر: پدر- پسر - و روان پاک (روح القدس) می

باورند... و یا مانند یهودیان که آنچه را که الله و رسولش حرام کرده اند، حرام نمی دانند، یا مانند منداییان و صابیین و بوداییان و پیروان جین و ستاره پرستان و دیگر نا مسلمانانی که دین اسلام را یک دین جان ستیز می دانند و نمی پذیرند.. همه این کسان مُشرک اند و مُشرکان بفرمان الله و رسول باید کشته شوند:

« بگو ای پیغمبر آیا شما را آگاه سازم که کدام قوم را نزد خدا بدترین پاداش است، کسانی را که خدا بر آنها لعن و غضب کرده و آنان را بوزینه و خوک مسخ نمود. مهدی الهی قمشه یی مترجم قرآن می افزاید «مانند قوم یهود که با حُرمت روز شنبه مخالفت خدا کردند و مسخ به بوزینه شدند و امت عیسی که پس از نزول مانده آسمانی و مشاهده اعجاز مسیح باز کافر شدند و مسخ به خوک گردیدند!؟» (آیه 60 سوره ی مانده)

« البته آن کسان که سه خدا قائل شدند (آب و ابن و روح القدس را خدا گفتند) کافر گردیدند و حال آنکه جز خدای یگانه خدایی نخواهد بود و اگر از این گفتار (تثلیث و قول به اقایم ثلاث) زبان نبندند البته آن کافران را عذابی دردناک خواهد رسید. (آیه 73 سوره ی مانده)

« البته الله بین اهل ایمان و یهود و ستاره پرستان (صابین) و نصاری (مسیحیان) و گیر(زرتشتیان) و آنانکه به الله شُرک آوردند البته روز قیامت میان آنها الله جدایی افکند که او بر احوال همه موجودات عالم بصیر و آگاه است.» (آیه 17 سوره ی حج)

«پس از آنکه ماههای حرام به سر رسید آنگاه مُشرکین را هر کجا یافتید به قتل برسانید و آنها را دستگیر و محاصره کنید و هر سو در کمین آنها باشید، چنانچه از شُرک توبه کرده و نماز اسلام بپا داشتند و زکات دادند پس از آنها دست بردارید.» (آیه 5 سوره ی توبه)

« ای کسانیکه ایمان آورده اید محققا بدانید که مُشرکان نجس و پلیدند و دیگر نباید به مسجدالحرام پا بگذارند. (آیه بیست و هشتم سوره توبه)

« ای اهل ایمان با هر که از اهل کتاب به خدا و روز قیامت ایمان نیاورده و آنچه را که الله و رسولش حرام کرده حرام نمی داند کارزار کنید تا آنگاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه دهند، اینها به کیش کافران پیشین مشابه هستند.» (آیه 29 سوره توبه)

« هر کجا مُشرکین را یافتید بکشید و از شهرهایشان آواره سازید.» (آیه 191 سوره ی بقره)

خیزابه هایی که از خون زرتشتیان و یهودیان و مسیحیان و بوداییان و مانداییان و هندوها و دیگران در گذرگاه این بستر زندگی ستیزی جوشیدند و خروشیدند، همه برآمده از همین سرچشمه بیابانی اند.

شیخ روح اله خمینی رهبر آدمکشان حکومت ننگین دامن اسلامی به پیروی از همین آیه های جان ستیزانه بود که در فرمان ننگین خود که به کشتار بزرگ زندانیان سیاسی در سال 67 انجامید نوشت:

« ... از آنجا که منافقین خائن بهیچوجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می گویند از روی حيله و نفاق آنها است، و نیز جاسوسی آنان برای صدام حسین، و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی! کسانی که در زندانهای سراسر کشور بر سر مواضع نفاق خود پافشاری می کرده و می کنند، محارب و

محکوم به اعدام می باشند! رحم بر محارب ساده اندیشی است. قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردید ناپذیر نظام اسلامی است. امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید. آقایانی که تشخیص موضوع بر عهده آنان است، وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند (اشد اعلی الکفار) باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی، نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می باشد. والسلام. روح الله الموسوی الخمینی.»



قاتلوهم فی سبیل الله

گورهای گروهی در پی فرمان شیخ روح الله خمینی در کشتار 67

امام سیزدهم شیعیان، به این گونه آدم گشتی های دیو خویانه بسنده نکرد، او با یک نو آوری شرم آور کاری کرد که پیش از او هیچیک از آدم کشان بزرگ تاریخ مانند: چنگیز خان مغول - امیر تیمور لنگ - شاه اسماعیل صفوی - هیتلر - استالین و دیگر خونریزان بزرگ نیز نکرده و از انجامش شرم داشتند. فرمان دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی کرانه های ننگین این آدمکشی بیشرمانه را فرادید مردم جهان گذاشت:

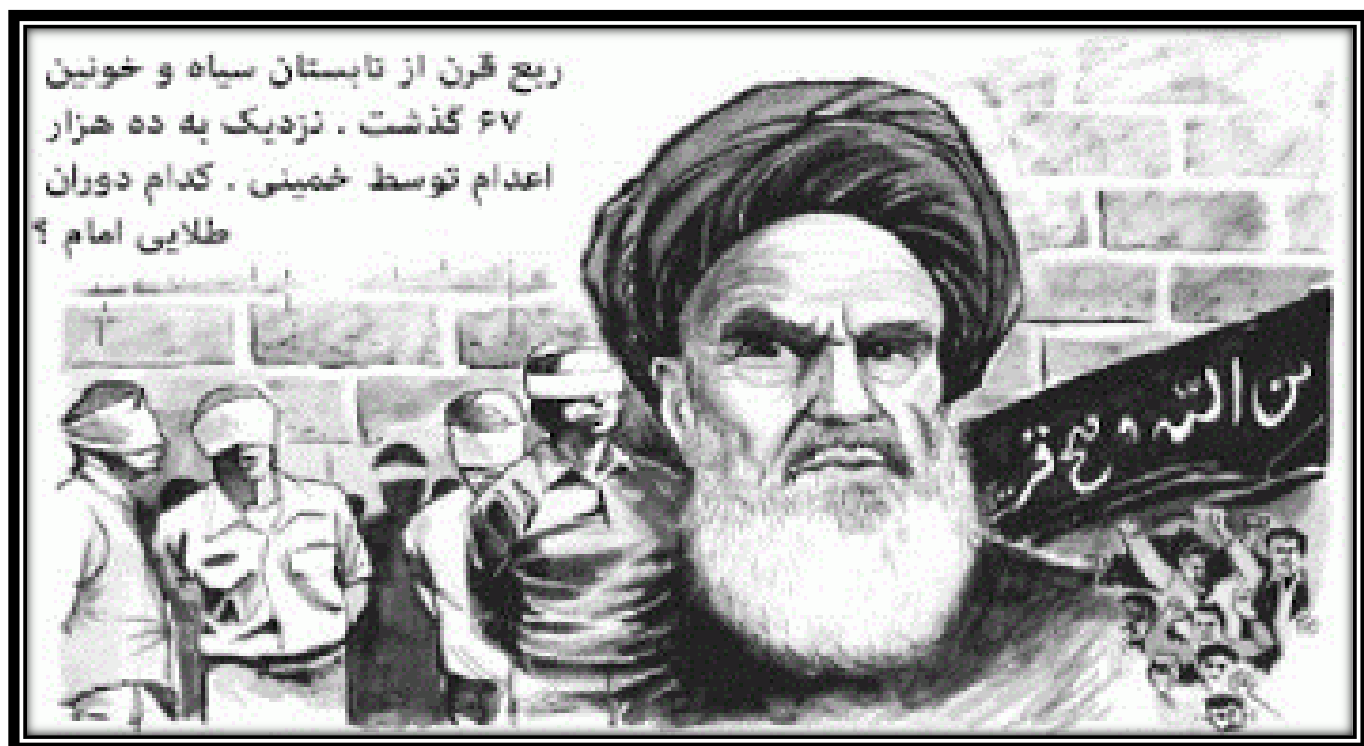
از: دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران

به: کلیه دادستانهای انقلاب استان و شهرستانها

برابر اعلام و درخواست سپاه پاسداران، در مواقعی که برادران پاسدار در جریان درگیری های خیابانی و جبهه جنگ زخمی و به بیمارستان ها اعزام می شوند و نیاز فوری به تزریق خون دارند، گاه به علل نداشتن خون و عدم امکان فوری به تهیه خون منتهی به فوت مجروح می گردد. لذا برای رفع این مشکل دستور فرمایید بطور محرمانه افرادی که محکوم به اعدام شده و اجرای حکم در باره آنان بلادرنگ باید اجرا گردد، قبل از اجرای حکم صادره توسط مامورین پزشکی که مورد اعتماد باشند، خون محکومین

را بوسیله سرنگ در ظروف مخصوص منتقل و به نزدیکترین بهداری یا بانک خون محل تحویل دارند تا در اولین فرصت، فوری مورد استفاده برادران پاسدار که زخمی می شوند قرار گیرند .
یاد آوری می شود از جهت اینکه نسبت به این اقدام اشکال شرعی بر آن متصور نگردد، چگونگی از محضر مبارک ولایت فقیه، امام خمینی و رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ، مدظله العالی استفتاء گردید.

«دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران»



اهریمن با نشان الله در سرزمین زرتشت

جمهوری اسلامی در بکارگیری آیه های قرآن و انبوهی از تفسیرهای گوناگون، از زمان روی کار آمدن تا به امروز، هر سال به شمار روزهای سال چوبه های دار برافراشته و جان هزاران تن را گرفته است.

فجایع و حشناک ساواک و کمیته در دادگاه فاش شد

چگونگی

جبهه ملی دست بفعالیت سیاسی گسترده ای زد

دعوت جبهه ملی از آیه الله طالقانی و دکتر شایگان

فراد ۱۱ هلیکوپتر

از ایران

به بهانه پرواز آزمایشی هلیکوپترها به پرواز در آوردند و به دوی بردند



چواد سعید، غلامرضا کیانپور، محمدرضا عالمی ایرانی

اطلاعات

شماره ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ - شماره ۱۶۸۸۸ - شماره ۱۵ رسال

آیت الله زنجانی: به جبهه ملی کمک میکنم ولی رسماً به آن نمی پیوندم

دکتر شایگان: من برای ترمیم انشعابات جبهه ملی و ایجاد هماهنگی بین کلبه نیروهای ملی تلاش میکنم

۳۰ تن از شخصیت های ملی به شورای جبهه ملی دعوت شدند

پیام قدایی به امام و پاسخ آن
امام: اسلام وعقیده بود که ما را پیروز کرد
* قدایی: کبیر حمایت از انقلاب ایران را واجب میدانم
* بر صفحه ۱۱
ملقات زنان جنوب تهران و گروهی از مشاوران با امام خمینی

۲۱ مفسد فی الارض تیرباران شدند

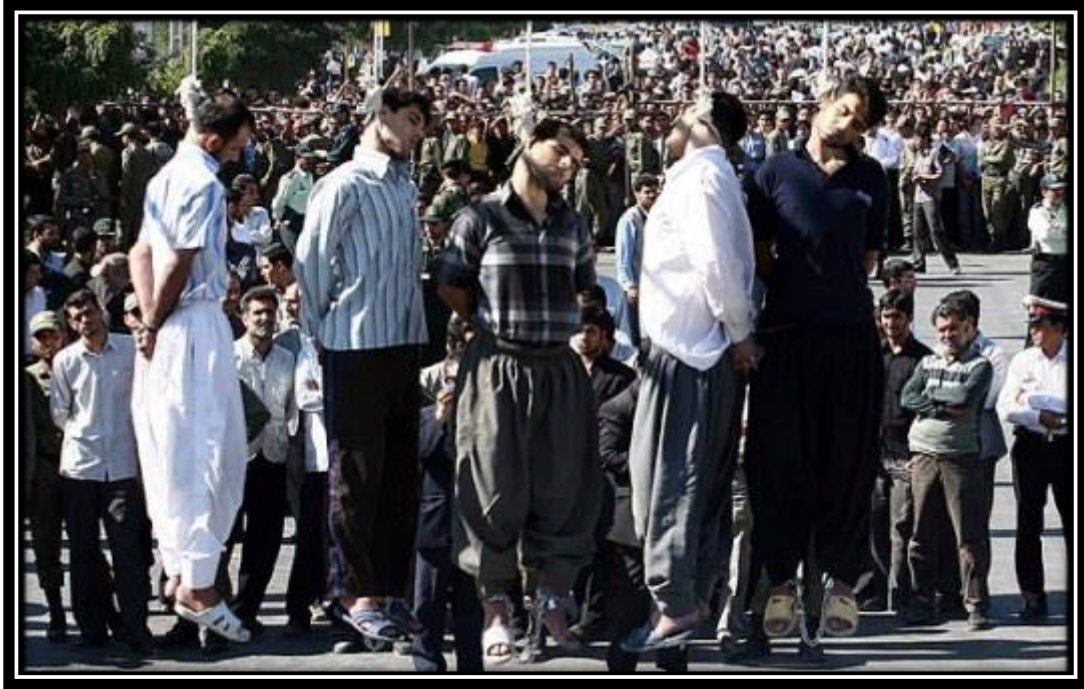
۲ وزیر پیشین، آخرین رئیس مجلس منجمله، ۱۵ تن از رؤسا - شکنجه گران و ۲ تن از مسئولان کشتار مقابل دانشگاه معدوم گردیدند





کشتار گروهی در بیابانها

آدم کشی ها و زشتکاریهای حکومت ننگین دامن اسلامی جُستاری نیست که در چند برگ بگنجد، برای نشان دادن گسترهٔ پایان ناپذیر آدمکشی ها و نامردمی های این حکومت ننگین دامن باید هزاران نامه نوشت. در اینجا به همین سخن بسنده باید کرد که در کارنامهٔ جهان از روزگار کیومرس تا به امروز هیچ حکومتی به پلیدی حکومت اسلامی و هیچ گروهی پست تر و فرومایه تر از آخوند دیده نشده است.



کشتار گروهی در برابر دید مردم در خیابانها



سنگسار

زنان در نظام مقدس اسلامی



یکی از ننگین ترین قانونهای حکومت اسلامی «سن مسئولیت کیفری» است که برای دختران 9 سالگی و برای پسران پانزده سالگی دانسته شده است. از آنجا که محمد بنیادگذار این دین بیابانی، عایشه دختر ابوبکر را در سن شش یا هفت سالی بزنی گرفت، و در 9 سالگی با او تن آمیزی کرد، اسلام 9 سالگی را برای دختران سن رسایی، یا بگفته ی قانونگذاران بی شرم مسلمان (سن مسئولیت کیفری) می دانند.



سکینه آشتیانی یکی از زنان محکوم به سنگسار بود که پرونده‌او سر و سداى جهانی در پی آورد.

فرازهایی از سخنان بلندپایگان حکومت اسلامی در باره دادگری و دادگذاری در اسلام

« اعدام مفسد فی الارض که در اسلام روی آن خیلی تأکید شده ، نه تنها بد نیست، خیلی هم فایده دارد. در روایت داریم که این کار نفع و فایده اش زیادتر است از اینکه چهل روز بارندگی شود. (آیت الله قمی دادستان کل انقلاب اسلامی ایران، برداشت از روزنامه اطلاعات 29 اردیبهشت 1358)

« دادگاههای انقلاب اسلامی مظلوم واقع شده اند. البته صحیح هم هست که کوتاهی کرده اند! و از پیروزی انقلاب به بعد، آن اندازه که باید اعدام نکرده اند. ما از بابت این مسامحه کاری از مردم عذر می خواهیم.» (آیت الله محمدی گیلانی حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی مرکز، در سخنرانی رادیویی 26 آذر ماه 1359)

اگر ما با ضد انقلاب مماشات می کنیم! این نه به دلیل ضعف است، اگر امام تنها اشاره یی بفرمایند آنوقت قاطعیتی از دادسراهای انقلاب خواهید دید که در تاریخ نمونه اش نباشد.» (سید اسدالله لاجوردی دادستان انقلاب اسلامی تهران در مصاحبه رادیو تلویزیونی 26 آذر 1359)

« بنده معتقدم اگر همان قواعدی که رسول الله و امیرالمومنین و خلفای راشدین پیاده کردند پیاده بشود، اساساً چندان زندانی باقی نمی ماند، و مسئله زندانهای ما حل می شود! وقتی رسول الله با بینات و الایمان قضاوت بکند، مجرم دیگر برای چه مُفت در زندان بماند و مُفت بخورد و بخوابد؟ کیفر او در دستش گذاشته می شود. یا اعدام می شود، یا عقوبت مالی، یا تعزیر. این مسئله هم در اسلام خیلی

روشن است. اگر دو یا سه بار حد ببینند، یعنی کتکش را بخورد، بار چهارم اعدام می شود، وقتی این طور شد، این را می گویند قوانین، قوانین قضایی، قوانین انقلابی نه آنکه افراد مُفت خور توی زندان نقاشی کنند. (آیت الله محمدی گیلانی. حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی مرکز، روزنامه اطلاعات، 7 مهر ماه 1361)

این گروهکها خیال می کردند می توانند حکومت خدا را کنار بزنند و تقی زاده را روی کار بیاورند! ما پدرشان را در آوردیم. تازه خیلی هم گذشت به خرج دادیم! مگر در تهران چقدر اعدام کردیم از این گروهک ها؟ فقط هزار و اندی. در صورتی که شما می دانید ما در مقابل بهشتی را از دست دادیم که نور دیده این اُمت بود. من می خواهم این را بنویسید که ما چه انتظاری از کشورهای اروپایی و آمریکا که مشیت زده ایم و چک و چانه آنها را خُرد کرده ایم داریم؟ و انگلستان که خودش را سردمدار کاروان وحشیت می داند و مسئله لواط را به آن صورت، پس ما چه انتظاری از آنها داشته باشیم؟ خیر فرزندان منافق این آب و خاک را تا آنجایی که توانسته ایم به امر حضرت حق کشته ایم! تعداد چشمگیری از آنها را در زندانها داریم. فرمان اخیر امام در زمینه قوانین اسلامی، ملک الموت همه قوانین سابق بود. فرمان اخیر امام (کشتار 67 که بیش از سی هزار تن از جوانان بیگناه ایرانی را به کشتن داد) قبض روح کرد قوانین گذشته را که حالا یک لاشه بی جانی است که در محاکم قضایی افتاده و دیر یا زود به گورستان طاغوت فرستاده خواهد شد. با این فرمان، همه ملت این را فهمیدند که دیگر با هیچ چسبی، نه لیبرال، و نه جامعه حقوقدانان، و نه دوسنداران حقوق بشر در این جهت هیچ غلطی نمی توانند بکنند. » (آیت الله محمد گیلانی حاکم شرع و رییس دادگاههای انقلاب اسلامی مرکز، اطلاعات 8 مهر ماه 1361)

« این جنایتکارها که در بازداشت هستند متهم نیستند بلکه جرمشان (ناسازگاری با حکومت جان ستیز ملایان) محرز است. باید فقط هویت آنها را ثابت کرد و بعد آنها را کشت. اصلاً احتیاج به محاکمه نیست. هیچگونه ترحمی در باره آنها مورد ندارد. (شیخ روح الله خمینی در پیام به ملت 9 تیر 1359)

« مردم باید پند بگیرند از آن مادری که پسر خودش را (که مجاهد بود) آورد و بدست محاکمه سپرد و آن پسر اعدام شد. که این یکی از نمونه های اسلام است، و دیگران باید همین طور باشند. اولادها و برادرها و فرزندان خودشان را معرفی کنند تا به مجازات برسند. وظیفه اسلامی و ایمانی و ملی آنهاست. به آن عمل کنند (شیخ روح الله خمینی در دیدار با افسران و درجه داران شهربانی جمهوری اسلامی 2 شهریور 1360)

من مسلمان نیستم ایرانیم
"میرزا آقا عسگری مانی"

من مسلمان نیستم، آزادهام
پیرو خيام، اهل بادهام
عاشق آزادیام، اهل خرد،
درگريز از سجده و سجادهام .

اهل ایمان نیستم، اهل دلم
اهل شعرم، اهل شور و شادی‌ام
مُرْتَدَم من، کافرَم، گبرم ولی
کوروش و زرتشت را من زاده‌ام .

من مسلمان نیستم، ایرانی‌ام
خاکی‌ام، افتاده‌ام، اینجائی‌ام،
پا بیای مردمان این جهان،
بذر آیین بشر افشانده‌ام .

گرچه در متن بیابان زیستم
سرو آزادم، مسلمان نیستم
سایه‌ام را بر مسلمان و یهود
برسر ترسایان گسترده‌ام

من مسلمان نیستم چون هیچگاه
پایه‌ی «کافرگُشی» نهاده‌ام
سفره‌ام را گرچه درویشانه است
پیش هموعان خود بگشوده‌ام.

من مسلمان نیستم، دانشورم
زاده‌ی گردآفرید دلبرم
گرچه افتادم من از اسب جهان
از شعور و اصل خود نفتاده‌ام

گوهر ایرانی و اسلام؟ نه !
من به اهریمن مگر تن داده‌ام؟ !
گرچه نامم را «مسلمان» هشته‌اند
" نه مسلمان، نه مسلمان‌زاده‌ام "

من مسلمان نیستم ایرانیم
"مهدی یعقوبی"

در رگم می جوشد امواج شراب

من زلالم مثل آب
چترهای مهربانی بر سرم
در نگاهم می شکوفد آفتاب
من مسلمان نیستم ایرانیم

می پرند از واژه های شعر من پروانه ها
خانه ام میخانه ها
در حریم سبز رویاهای ناپیدای من
نورها تابیده اند

در شبانگاهان برفی تا سحر
در دلم گنجشک ها خوابیده اند
من مسلمان نیستم ایرانیم
ماه را شبها به پشت پنجره
میکشم با بوسه هایم در بغل
در سکوت زرد رنگ دره ها
میشود زیبایی گلهای سرخ
در دل و جانم غزل

من مسلمان نیستم ایرانیم
از رگام نور می تابد همه
در دل مهتابی ام ژرفای شب
مرغکان نغمه خوان در همهمه
عطر عشق از آسمانم نرم نرمک می چکد
جان من آینه ای از روشنای چشمه هاست
من زلالم من زلال
در دلم گرمایی از خورشیدهایی بی زوال

من مسلمان نیستم ایرانیم
طبل شادی عاشقان بر بام هایم می زنند
می فروشان پشت درها با خم می روی دوش
کوچه هایم نغمه های نوش نوش
دوستت دارم تمام حرف هاست
مهربانی در نگاه مردم بی انتهاست

من مسلمان نیستم ایرانیم
دختران در میهنم گیسو رها بر شانه ها
پرتو گرم محبت روز و شبها در نگاه
آرزوهایم پُر از رنگین کمان
زندگی در خاک من گلاوزه آزادی است

هر نفس در هر نفس
هر کجا باشم فراز آسمان یا خفته در کنج قفس
مذهیم عشق است و بس
من مسلمان نیستم ایرانیم